



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

<http://dx.doi.org/10.22067/PG.2025.93967.1378>



پژوهشی

تحلیل مولفه‌های ژئوپلیتیکی موثر بر مناسبات اقلیم کردستان عراق با جمهوری اسلامی ایران

سرحد شیخه حمد(دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)

محسن جان پرور(دانشیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران. نویسنده مسئول)

janparvar@um.ac.ir

سیده‌ادی زرقانی(استاد جغرافیای سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)

ریباز قربانی‌نژاد(استادیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه آزاد واحد علوم تحقیقات، تهران، ایران)

چکیده

جمهوری اسلامی ایران و اقلیم کردستان عراق، به‌واسطه مجاورت جغرافیایی، اشتراکات تاریخی، قومی و فرهنگی و همچنین جایگاه ژئوپلیتیکی خود در منطقه خاورمیانه، دارای سطحی از وابستگی متقابل و تعامل چندلایه هستند که به اشکال مختلف همکاری و چالش در مناسبات دوطرفه تجلی‌یافته است. این پژوهش با رویکرد توصیفی - تحلیلی و با بهره‌گیری از داده‌های کتابخانه‌ای و میدانی، به تحلیل مولفه‌های ژئوپلیتیکی موثر بر مناسبات میان ایران و اقلیم کردستان پرداخته است. به‌منظور ساختارمند کردن موضوع، مولفه‌های ژئوپلیتیکی اقلیم کردستان از نظریه‌ها و پژوهش‌های علمی استخراج شده و در چهار بعد اصلی شامل مولفه‌های جغرافیایی، اجتماعی - فرهنگی، حکمرانی و بین‌المللی - استراتژیک دسته‌بندی شدند. داده‌ها از طریق پرسش‌نامه‌ای محقق ساخته گردآوری شده و با استفاده از آزمون آماری تی تک نمونه‌ای تحلیل گردید. یافته‌ها نشان داد که در هر چهار بعد، مولفه‌ها از سطح معناداری بالایی در تأثیرگذاری بر مناسبات برخوردارند، به‌ویژه در ابعاد جغرافیایی و اجتماعی - فرهنگی که فرصت‌های قابل‌توجهی برای همکاری میان دو طرف فراهم شده است. از منظر تحلیلی، نتایج پژوهش حاکی از آن است که اگرچه تهدیداتی از حیث واگرایی قومی و رقابت بازیگران منطقه‌ای وجود دارد، اما در صورت بازطراحی سیاست ایران از رویکردهای صرفاً امنیت‌محور به‌سوی راهبردهای فرصت‌محور، می‌توان مناسبات را در راستای ثبات مرزی، توسعه اقتصادی و گسترش نفوذ ژئوپلیتیکی ارتقا بخشید. در پایان، بر اساس یافته‌ها، مجموعه‌ای از پیشنهاد‌های سیاستی ارائه شده است که می‌تواند مبنای تصمیم‌سازی راهبردی در سطوح ملی و منطقه‌ای قرار گیرد.

واژگان کلیدی: ژئوپلیتیک، اقلیم کردستان، ایران، روابط منطقه‌ای

مقدمه

جنوب غرب آسیا یکی از پیچیده‌ترین و پرچالش‌ترین عرصه‌های ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی جهان به شمار می‌رود؛ منطقه‌ای که در آن رقابت قدرت‌های فرامنطقه‌ای با بازیگری فزاینده کنشگران منطقه‌ای، نظم امنیتی شکننده‌ای را رقم زده است (Afzali, et al., 2023). در این میان، جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یکی از بازیگران کلیدی و با سابقه‌ی تاریخی در تحولات منطقه، همواره کوشیده است ضمن حفظ ثبات مرزهای غربی خود، نقش تعیین‌کننده‌ای در مدیریت روندهای ژئوپلیتیکی پیرامونی ایفا کند. موقعیت ژئوپلیتیکی ایران و پیوندهای تاریخی، قومی، مذهبی و اقتصادی آن با عراق و به‌ویژه اقلیم کردستان، جایگاهی خاص و منحصر به فرد برای جمهوری اسلامی در معادلات این منطقه فراهم کرده است (Dianat et al., 2019; Masoudnia et al., 2017).

اقلیم کردستان عراق به‌عنوان یکی از اجزای راهبردی در ساختار سیاسی عراق پس از سقوط رژیم بعث، از جایگاه ویژه‌ای در راهبردهای منطقه‌ای تهران برخوردار است. از یک‌سو، ایران این منطقه

را بخشی حساس در عمق ژئوپلیتیکی خود تلقی می‌کند و از سوی دیگر، تلاش‌های استقلال‌طلبانه اقلیم را تهدیدی بالقوه برای تمامیت سرزمینی و ثبات اجتماعی در مناطق کردنشین خود می‌داند. این امر باعث شده است سیاست ایران در قبال اقلیم، ماهیتی پیچیده، چندلایه و ترکیبی از تعامل، مهار و موازنه داشته باشد (Asadifard et al., 2022). روابط ایران با اقلیم کردستان، برخلاف تصور غالب که آن را تابعی از سیاست دولت مرکزی عراق می‌داند، عملاً در سطوح مستقل اقتصادی، امنیتی و فرهنگی نیز تعریف شده است. وابستگی متقابل در حوزه‌های تجارت مرزی، انرژی، ترانزیت و حضور فعال شرکت‌های ایرانی در پروژه‌های بازسازی اقلیم، تنها بخشی از مؤلفه‌هایی هستند که پیوندهای عمیق‌تری میان دو طرف ایجاد کرده‌اند (Sazmand, 2011; Bahmanabadi, 2014). افزون بر این، ایران با بهره‌گیری از نفوذ تاریخی خود در میان رهبران احزاب عمده اقلیم، تلاش کرده است از یکسو نقش میانجی در تعارضات درون‌اقلیمی ایفا کرده و از سوی دیگر، از نفوذ بازیگران رقیب چون ترکیه، آمریکا و رژیم صهیونیستی در این منطقه بکاهد.

به لحاظ استراتژیکی، اگرچه اقلیم کردستان از مزایای منابع انرژی، موقعیت ترانزیتی و تلاش برای نقش‌آفرینی مستقل برخوردار است (Afzali et al., 2015; Sadeghi et al., 2019)، اما همچنان به‌شدت به همسایگی با ایران وابسته است. چالش‌های ساختاری چون عدم دسترسی به آب‌های آزاد، ضعف انسجام سیاسی داخلی و تهدیدات امنیتی پیرامونی، به‌ویژه از سوی گروه‌های مسلح غیردولتی، موجب شده است تا روابط با ایران برای بقای ژئوپلیتیکی اقلیم، بُعدی حیاتی بیابد. بنابراین، آنچه اهمیت دارد نه صرفاً شناخت اقلیم به‌عنوان یک بازیگر نیمه‌مستقل، بلکه تحلیل راهبرد ژئوپلیتیکی ایران در مواجهه با اقلیم کردستان است؛ راهبردی که همزمان بر سه محور ثبات‌سازی در مرزها، کنترل نفوذ رقبای و مدیریت مطالبات قومی استوار است. از این رو، درک دقیق و نظام‌مند از مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی حاکم بر مناسبات ایران و اقلیم کردستان، برای طراحی سیاست‌های مؤثر و پیش‌نگر در حوزه امنیت ملی و منافع منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران، ضرورتی انکارناپذیر به شمار می‌رود.

پژوهش حاضر، با تمرکز بر نقش جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان کنشگر اصلی در غرب آسیا، در پی پاسخ به این سؤال اساسی است: کدام مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی، بیشترین تأثیر را در شکل‌دهی به روابط میان ایران و اقلیم کردستان عراق داشته‌اند و این مؤلفه‌ها چگونه رفتار منطقه‌ای ایران را هدایت می‌کنند؟ تبیین پاسخ به این پرسش می‌تواند در جهت‌گیری‌های آتی سیاست خارجی، امنیت مرزی، و تعاملات منطقه‌ای ایران با دیگر بازیگران مؤثر باشد.

مبانی نظری

ژئوپلیتیک به لحاظ عملکردی قدمتی به‌اندازه تاریخ انسان بر روی زمین دارد (Ghalibaf & Pourmousavi, 2008). از سوی دیگر، باید توجه داشت که امروزه واژه ژئوپلیتیک از رواج و عمومیت فراوانی در مباحث سیاسی و اجتماعی برخوردار است (Vasegh et al., 2017). توکویل^۱ به‌عنوان یکی از بنیان‌گذاران اندیشه ژئوپلیتیک، دیدگاهی خاص از این مفهوم داشت که تأثیر بسزایی بر تفکرات و تحلیل‌های آینده در این زمینه داشته است (Mojtahedzadeh, 2015). به طور رسمی رودولف کیلن^۲ را ابداع‌کننده این واژه عنوان کرده‌اند (Mirheidar & Hamidi-Nia, 2006). کیلن^۲، ژئوپلیتیک را مطالعه دولت به‌عنوان یک ارگانیسم جغرافیایی تعریف کرد و بر رابطه بین جغرافیای فیزیکی و قدرت سیاسی تأکید کرد، (Bahrami-Jaf et al., 2023).

¹ Alexey de Tocqueville

² Rudolf Kjellén

مکیندر ژئوپلیتیک را به عنوان مطالعه‌ای از تعامل پویا بین جغرافیا، قدرت دولتی و سیاست جهانی تعریف نمود (Agnew, 1994). مبتنی بر ایده‌های مکیندر، اسپایکمن^۱ مفهوم "حاشیه زمین"^۲ را معرفی کرد. او ژئوپلیتیک را به عنوان مطالعه تعامل بین جغرافیا، استراتژی و سیاست بین‌الملل تعریف کرد (Spykman, 1942). هاوشوفر^۳ ژئوپلیتیک را به عنوان مطالعه تأثیر عوامل جغرافیایی بر سیاست جهانی و روابط بین‌الملل تعریف کرد. (Mamadouh, 1994). جغرافیادان فرانسوی ایو لاکوست^۴ ژئوپلیتیک را مطالعه رابطه بین فضای جغرافیایی، قدرت سیاسی و هویت فرهنگی تعریف کرد (Lacoste, 2006). توال و دالبی^۵ ژئوپلیتیک را به عنوان روشی که ایده‌های جغرافیایی و استدلال‌های مکانی در ساخت سیاست خارجی و روابط بین‌الملل استفاده می‌شوند تعریف کردند (Toal et al, 1998). ژئوپلیتیک عبارت است از دانش شناخت، کسب، بهره‌برداری و حفظ منابع جغرافیایی قدرت در مناسبات فرو ملی، ملی، منطقه‌ای و جهانی. به بیانی دیگر، ژئوپلیتیک دانش طراحی و بازبینی استراتژی‌های بازیگران جهت دستیابی به منافع و اهداف مبتنی بر منابع جغرافیایی قدرت است (Janparvar, 2017). بر اساس تعریف ذکر شده مؤلفه ژئوپلیتیکی عبارت است از: منابع جغرافیایی قدرت با ارزش در مقیاس ملی، منطقه‌ای یا جهانی که توسط بازیگران سیاسی (دولت‌ها، دولت‌های فروملی، یا نهادهای بین‌المللی) در طراحی و اجرای استراتژی‌های خارجی، به‌منظور کسب، حفظ یا گسترش منافع ملی مورد استفاده قرار می‌گیرند (Janparvar, 2017).

از سوی دیگر مناسبات ژئوپلیتیکی، روابطی هستند که بین کشورها و دولت‌ها و بازیگران سیاسی بر پایه ترکیب عناصر سیاست، قدرت و جغرافیا برقرار می‌شوند. در شکل‌گیری هرگونه رابطه بین بازیگران، عنصر سیاست، در قالب بازیگر سیاسی، یا اراده‌ای که به ماهیت رابطه شکل می‌دهد و نیز اقدامات و کنش‌هایی که توسط بازیگر انجام می‌شود پدیدار می‌گردد. عنصر قدرت در شکل‌دادن به الگو و ماهیت رابطه و نگرش بازیگران نسبت به هم تجلی پیدا می‌کند. عنصر جغرافیا نیز نقش بسترساز را ایفا کرده و انگیزه‌های لازم برای شکل‌گیری اراده سیاسی رابطه، تجلی فضایی رابطه و نیز تأثیرگذاری بر سطح قدرت بازیگران را سبب می‌شود (Hafeznia, 2017). در تعریف دیگر مناسبات ژئوپلیتیکی عبارت است از شکل‌گیری مناسبات بین بازیگران ژئوپلیتیک بر اساس کاربست منابع جغرافیایی قدرت. به عبارت مناسباتی جنبه ژئوپلیتیکی به خود می‌گیرد که در آن بازیگران از منابع جغرافیایی قدرت برای رسیدن به اهدافشان در مناسبات بهره ببرند (Janparvar, 2017). در نهایت می‌توان گفت مناسبات ژئوپلیتیکی عبارت است از شکل‌دهی و نیز شکل‌گیری مناسبات بین بازیگران ژئوپلیتیک بر اساس کاربست منابع جغرافیایی قدرت (Bahrami-Jaf et al., 2023). بر این مبنا، عنصر اصلی در مناسبات ژئوپلیتیکی شامل نحوه شکل‌گیری سیاست خارجی بازیگران بر پایه منابع جغرافیایی قدرت است (Janparvar & Bahramijaf, 2025). مناسبات ژئوپلیتیکی میان کنشگران سیاسی از الگوهای ارتباطی متفاوتی تبعیت می‌کند و از اشکال متفاوتی همچون تعامل، رقابت، تقابل، منازعه، سلطه و نفوذ شکل می‌گیرد. این الگوها تابعی از نحوه ترکیب و تعامل عناصر جغرافیا و سیاست در بستر زمان است (Hafeznia, 2017). در راستای افزایش اعتبار مفهومی مؤلفه‌های استخراج‌شده، پژوهش حاضر بر پایه‌ی مرور ادبیات نظری و تجربی، مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی را با بهره‌گیری از نظریه‌های کلاسیک و معاصر ژئوپلیتیک، مطالعات پیشین و مبانی نظری مرتبط، طبقه‌بندی و استخراج کرده است. که در جدول ذیل ذکر شده‌اند. طبقه‌بندی مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی در چهار بُعد اصلی شامل مؤلفه‌های جغرافیایی، اجتماعی -

¹ Nicholas Spykman

² Rimland

³ Karl Haushofer

⁴ Yves Lacoste

⁵ Gerard Toal and Simon Dalby

فرهنگی، حکمرانی، و بین‌المللی - استراتژیک، بر پایه‌ی یک رویکرد ترکیبی نظری و تحلیلی انجام شده است. چارچوب مفهومی ارائه شده، ریشه در سنت کلاسیک ژئوپلیتیک دارد که بر عوامل محیطی، جمعیتی، ساختارهای قدرت، و تعاملات منطقه‌ای تأکید دارد (راتزل، ماهان، ماکایندر، و چلن)، اما هم‌زمان از رویکردهای نوین مانند ژئوکالچر، ژئواکونومی و نظریه قدرت نرم نیز بهره می‌گیرد. چنین تقسیم‌بندی‌ای به پژوهش امکان می‌دهد تا تحلیل جامعی از مناسبات میان جمهوری اسلامی ایران و اقلیم کردستان عراق در سطوح مختلف انجام دهد؛ به‌ویژه در شرایطی که تعاملات مرزی، امنیت، فرهنگی و راهبردی میان دو طرف پیچیدگی بالایی دارد و نیازمند تبیینی چندبعدی و ساختاری است. در این راستا، بُعد جغرافیایی ناظر به ویژگی‌های سرزمینی، مرزی و منابع طبیعی؛ بُعد اجتماعی فرهنگی مرتبط با پیوندهای قومی، زبانی و تاریخی؛ بُعد حکمرانی شامل ساختارهای سیاسی و ظرفیت‌های تصمیم‌سازی؛ و بُعد بین‌المللی - استراتژیک شامل تأثیرگذاری بازیگران خارجی و نظم منطقه‌ای است.

جدول ۱: دسته‌بندی مفهومی و منابع استخراج مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی

ابعاد	مؤلفه های ژئوپلیتیک	نظریه ها و دیدگاه ها جهت استخراج مؤلفه های ژئوپلیتیک
مؤلفه‌های جغرافیایی	منابع طبیعی (آب، انرژی، نفت و گاز)؛ موقعیت جغرافیایی و استراتژیک؛ شکل و اندازه کشور؛ کمیت و کیفیت جمعیت (ساختار جمعیت، ساختار سنی)؛ مسائل هیدروپلیتیکی و کم‌آبی؛ پیوستگی یا گسستگی جغرافیایی؛ قابلیت دسترسی به منابع؛ جایگاه ترانزیتی و بازرگانی	دیدگاه تعصب، پیشداوری و بروز خشونت‌های قومی «دیوید مایر» نظریه قلمروخواهی گاتمن دیدگاه قرارگیری گروه قومی در دو سوی مرز نظریه «ساختار ژئوپلیتیک جهانی» سونل بی کوهن دیدگاه کشمکش‌های مرتبط با سیاست‌های بین‌الملل دیدگاه کشمکش‌های مرتبط با عوامل قومی و مذهبی هارتلند یا قدرت بری سر هلفورد مکیندر نظریه مورگنتا قلمروخواهی ژئوپلیتیک ژان گاتمن و استفان جونز وابستگی متقابل روزکرانس نظریه رئالیسم (واقع گرایی) نظریه سازه‌انگاری نظریه توازن قوا مناقشات منطقه‌ای کمپ و هارکاو مؤلفه‌های ژئوپلیتیک موثر در مداخله بشر دوستانه
مؤلفه‌های فرهنگی - اجتماعی	ترکیب و پراکندگی قومی و مذهبی؛ اشتراکات و همبستگی قومی - فرهنگی دو سوی مرز؛ هویت قومی و تأثیر آن بر هویت سیاسی؛ تبعیض، نابرابری اجتماعی و نارضایتی؛ بیکاری، مهاجرت و قاچاق؛ منابع فرهنگی و معنوی (زبان، مذهب، آداب و رسوم)؛ تحولات فرهنگی و اجتماعی؛ تعاملات و حرکات اجتماعی سازمان‌یافته؛ جایگاه مذهب درون قومیت	
مؤلفه‌های حکمرانی	امنیت و بقای دولت؛ رقابت و درگیری برای منابع و قلمرو؛ ساختاری دولت (حکومت، حاکمیت، ملت)؛ تنش‌های مرزی، قومی، مذهبی؛ دیپلماسی و روابط خارجی؛ جایگاه ژئواستراتژیک؛ اقتصاد و تبادل انرژی و منابع؛ توازن قوا (سخت و نرم)؛ بازیگران منطقه‌ای متضاد؛ متحدان و ائتلاف‌های استراتژیک؛ فشار نیروهای فراملی	
مؤلفه‌های استراتژیک	مرزهای ژئوپلیتیکی مصنوعی و اختلافات سرزمینی؛ ایدئولوژی‌ها و اندیشه‌های وحدت‌بخش؛ استراتژی‌های فراملی (وضع موجود، سد نفوذ، امپریالیسم)؛ ساختار ژئوپلیتیک جهانی (آناشری، قدرت‌های جهانی)؛ نفوذ قدرت‌های فرماندهی؛ کنش تاکتیکی با تأثیر استراتژیک؛ نمادگرایی و ناحیه‌گرایی؛ سیاست‌های قومیتی و مذهبی؛ گفتمان‌های قلمروخواهی؛ اراده و تصمیم سیاسی	

Source: Authors

مطالعات صورت‌گرفته پیرامون روابط ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران و اقلیم کردستان عراق، عمدتاً بر تحلیل‌های تاریخی، فرهنگی، سیاسی و امنیتی تمرکز داشته‌اند. پژوهش ایمان انوری‌پور (۱۴۰۱) با تمرکز بر چهار بُعد ژئوپلیتیک، سیاسی، تاریخی و فرهنگی، تأکید دارد که روابط میان ایران و کردستان عراق، ریشه‌دار و چندوجهی است و در ابعاد مختلف از جمله تروریسم، امنیت، فرهنگ و انرژی، هم‌زمان فرصت‌ها و چالش‌هایی برای دو طرف فراهم می‌سازد. این تحقیق با رویکرد

توصیفی-تحلیلی، به ظرفیت تهدیدزدایی روابط فی‌مابین توجه دارد، اما فاقد مدل تحلیلی دقیق برای طبقه‌بندی مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی است. در مطالعه‌ای دیگر، دیانت و همکاران (۱۳۹۸) به بررسی هیدروپلیتیک رودخانه زاب کوچک پرداخته‌اند و نقش منابع آبی مشترک در شکل‌دهی به روابط سیاسی ایران و اقلیم را برجسته کرده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد که موقعیت بالادستی ایران از منظر جغرافیای طبیعی، قدرت چانه‌زنی استراتژیک را افزایش داده است. این پژوهش ابعاد ژئوپلیتیک طبیعی روابط را بررسی می‌کند، اما جنبه‌های اجتماعی، فرهنگی و حکمرانی در آن کمتر برجسته شده است. پژوهش بهمن‌آبادی (۱۳۹۳) با تأکید بر حضور بازیگران فرا منطقه‌ای مانند آمریکا و اسرائیل، نقش تحولات بین‌المللی را در پیچیدگی روابط ایران-اقلیم بررسی کرده است. در این تحقیق، اهمیت ظرافت‌های رفتاری ایران و حساسیت ژئوپلیتیکی ناشی از رقابت منطقه‌ای به‌خوبی تبیین شده، اما فاقد چارچوب دسته‌بندی‌شده از مؤلفه‌های داخلی و منطقه‌ای است. همچنین، عنصر حکمرانی داخلی اقلیم و نحوه تعامل آن با جمهوری اسلامی ایران در این مطالعه کمرنگ است. افضل و همکاران (۱۳۹۴) با نگاهی به آمایش سرزمینی، تلاش کرده‌اند تا مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی مانند ژئوآکونومی، ژئوکالچر و جغرافیای سیاسی-امنیتی را در تحلیل مرزهای ایران با اقلیم در نظر گیرند. این تحقیق، با ورود به بحث آمایش، از منظر توسعه‌ای به ژئوپلیتیک نگاه کرده و جنبه‌های ساختاری و فضایی را مورد بررسی قرار داده است. با این حال، از بعد روابط دوجانبه و سطح تعاملات سیاسی-فرهنگی تحلیل عمیقی ارائه نمی‌دهد. مطالعات دیگری همچون آثار مسعودنیا و ابراهیمی (۱۳۹۶)، شمولی و همکاران (۱۳۹۹)، رضایی (۱۳۹۹)، به فرصت‌ها، تهدیدات، چالش‌های مرزی و سناریوهای آینده اقلیم پرداخته‌اند. در مجموع، آنچه در اغلب پژوهش‌های پیشین مشاهده می‌شود، پراکندگی موضوعی، تمرکز بر یک یا دو بعد خاص و فقدان یک چارچوب تحلیلی جامع است. پژوهش حاضر با تکیه بر تلفیق چهار بُعد ژئوپلیتیکی (جغرافیایی، اجتماعی-فرهنگی، حکمرانی و بین‌المللی/استراتژیک)، تلاش دارد یک مدل مفهومی منسجم برای ارزیابی مناسبات جمهوری اسلامی ایران و اقلیم کردستان عراق ارائه دهد. بهره‌گیری از داده‌های میدانی، استفاده از نظرات خبرگان محلی و تمرکز بر رویکردی ترکیبی، این پژوهش را از مطالعات پیشین متمایز می‌سازد و به‌عنوان گامی نو در تحلیل ساختاری روابط ژئوپلیتیکی منطقه‌ای قابل ارزیابی است.

روش تحقیق

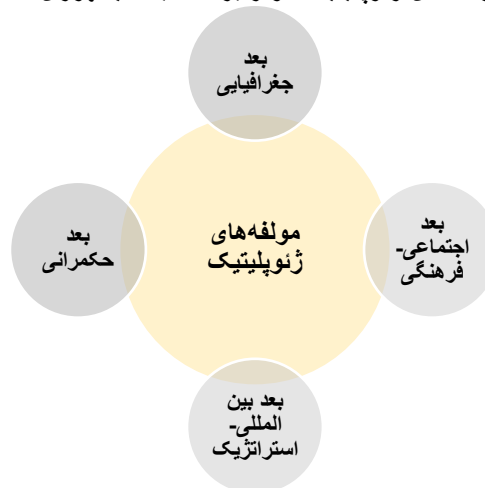
روش تحقیق این مطالعه از نوع کاربردی و با رویکرد توصیفی - تحلیلی انجام شده است. هدف اصلی پژوهش، شناسایی و تحلیل مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی مؤثر بر مناسبات جمهوری اسلامی ایران و اقلیم کردستان عراق است. بر این اساس، مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی در چهار دسته‌ی اصلی طبقه‌بندی شده‌اند: مؤلفه‌های جغرافیایی، اجتماعی - فرهنگی، حکمرانی و بین‌المللی - استراتژیک. داده‌های مورد نیاز از طریق پرسش‌نامه محقق‌ساخته بسته گردآوری شد که گویه‌های آن بر پایه‌ی شاخص‌های استخراج‌شده از نظریات مطرح در حوزه ژئوپلیتیک طراحی گردیده است. روایی محتوایی پرسش‌نامه با بهره‌گیری از نظر ۱۰ نفر از خبرگان دانشگاهی در حوزه جغرافیای سیاسی و روابط بین‌الملل بررسی و تأیید شده و پایایی آن با ضریب آلفای کرونباخ برابر با ۰,۸۷، محاسبه شده است که نشان‌دهنده انسجام درونی مطلوب ابزار اندازه‌گیری است. جامعه آماری تحقیق شامل اساتید دانشگاه، پژوهشگران، کارشناسان نهادهای سیاست‌گذار منطقه‌ای، و متخصصان حوزه‌های مرتبط با جغرافیای سیاسی و مسائل غرب آسیا است. انتخاب نمونه‌ها به روش غیراحتمالی هدفمند صورت گرفت. ملاک انتخاب، برخورداری از حداقل یکی از معیارهای زیر بود: سابقه تدریس یا پژوهش در زمینه روابط ایران و اقلیم کردستان عراق، تألیف مقاله علمی در حوزه جغرافیای سیاسی منطقه، یا فعالیت در نهادهای مرتبط با سیاست خارجی و امنیت منطقه‌ای. حجم نمونه با توجه به محدود بودن جامعه متخصصان و با در نظر گرفتن اصل کفایت داده‌ها در تحلیل تی تست تک‌نمونه‌ای، تعداد ۱۰۰ نفر تعیین گردید. از آنجا که جامعه آماری تحقیق محدود و تخصصی بوده و شامل خبرگان دانشگاهی و کارشناسان حوزه‌های ژئوپلیتیک منطقه‌ای می‌شود، امکان

استفاده از روش‌های نمونه‌گیری احتمالی و فرمول‌های مبتنی بر حجم کل جامعه وجود نداشت. در نتیجه، با اتکا به روش غیراحتمالی هدفمند و اصل کفایت اطلاعات که در تحقیقات کیفی و نیمه‌کمی معتبر رایج است، حجم ۱۰۰ نفر انتخاب شد. برای تحلیل داده‌ها، از آزمون آماری تی تک‌نمونه‌ای استفاده شد تا سطح معناداری تأثیر هر یک از مؤلفه‌ها بر مناسبات ژئوپلیتیکی ایران و اقلیم کردستان عراق سنجیده شود. در این آزمون، میانگین فرضی جامعه برابر با ۳ (میانگین نظری طیف لیکرت پنج‌درجه‌ای) در نظر گرفته شد. مؤلفه‌هایی که میانگین مشاهده‌شده آنها با سطح معناداری کمتر از ۰,۰۵ از مقدار فرضی فاصله معنادار داشتند، به عنوان مؤلفه‌های مؤثر تلقی شدند. پیش‌فرض نرمال بودن داده‌ها نیز با استفاده از آزمون کولموگروف - اسمیرنوف تأیید شد.

یافته‌های تحقیق

در این بخش از پژوهش، به تحلیل یافته‌های حاصل از داده‌های گردآوری‌شده از طریق پرسش‌نامه پرداخته می‌شود. همان‌طور که در بخش روش‌شناسی اشاره شد، مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی مؤثر بر مناسبات جمهوری اسلامی ایران و اقلیم کردستان عراق در قالب چهار بعد اصلی شامل مؤلفه‌های جغرافیایی، اجتماعی - فرهنگی، حکمرانی و بین‌المللی - استراتژیک طبقه‌بندی شده‌اند.

شکل ۱: ابعاد پایه مؤلفه‌های ژئوپلیتیک مؤثر بر مناسبات جمهوری اسلامی ایران و عراق



هدف از این تحلیل، شناسایی وزن و اهمیت نسبی هر یک از این ابعاد در شکل‌دهی به تعاملات دو طرف است. در راستای سنجش میزان تأثیرگذاری هر بعد، آزمون آماری تی تک‌نمونه‌ای برای گویه‌های مربوط به هر مؤلفه مورد استفاده قرار گرفته و میانگین پاسخ‌ها با مقدار نظری مقایسه شده است. به این ترتیب مشخص خواهد شد که از منظر خبرگان، کدامیک از مؤلفه‌های مورد بررسی در تعیین مناسبات ژئوپلیتیک میان ایران و اقلیم کردستان نقش پررنگ‌تری ایفا می‌کند. همچنین با محاسبه میانگین و انحراف معیار، امکان رتبه‌بندی ابعاد و مؤلفه‌ها فراهم گردیده است. در ادامه، یافته‌ها به تفکیک هر یک از چهار بعد تحلیل و ارائه می‌شوند.

محاسبه سطح معنی‌داری با مقدار میانگین گویه‌های بعد جغرافیایی

تحلیل مناسبات ژئوپلیتیکی میان جمهوری اسلامی ایران و اقلیم کردستان عراق، بعد جغرافیایی یکی از ابعاد کلیدی و تأثیرگذار به شمار می‌آید. مرز مشترک دو طرف اگرچه در دهه‌های اخیر از ثبات نسبی برخوردار بوده، اما ویژگی‌های سرزمینی، منابع، مسیرهای ارتباطی و تفاوت‌های هویتی در امتداد این

مرز، بسترهای متنوعی از همکاری، تعامل یا اصطکاک بالقوه را فراهم کرده‌اند. نتایج آماری این بعد، بازتاب‌دهنده درک نخبگان از نقش مؤلفه‌های جغرافیایی در شکل‌گیری الگوی رفتاری دو طرف است. گویه نخست به منابع طبیعی اقلیم کردستان اختصاص دارد که با میانگین ۳.۵۷ و آماره تی ۴.۹۳۲ در سطح معناداری تأیید شده است. این داده نشان‌دهنده توجه نخبگان به نقش منابع انرژی، به‌ویژه نفت و گاز، در مناسبات اقلیم با همسایگان است. اقلیم کردستان به‌دلیل در اختیار داشتن ذخایر قابل‌توجه نفتی، در پی گسترش مسیرهای صادراتی خود بوده و تلاش‌هایی برای استفاده از مرزهای مشترک با ایران در این راستا صورت گرفته است. در مقابل، جمهوری اسلامی ایران نیز که ثبات مرزی و کنترل نفوذ بازیگران فرامنطقه‌ای را از مؤلفه‌های امنیت ژئوپلیتیکی خود می‌داند، این تحرکات را با حساسیت دنبال می‌کند. در چنین شرایطی، منافع انرژی می‌تواند موجب همگرایی تاکتیکی شود، اما در بلندمدت، نیازمند مدیریت منافع متقابل است. گویه دوم، با محوریت موقعیت جغرافیایی اقلیم کردستان، دارای میانگین ۳.۸۹ و آماره تی ۱۰.۶۶۷ است و بالاترین سطح تأثیر را در این بعد به خود اختصاص داده است. اقلیم کردستان با داشتن مرز گسترده با ایران، در موقعیتی قرار دارد که از یک سو امکان تبادلات اقتصادی و مرزی را تسهیل می‌کند و از سوی دیگر، نگرانی‌هایی را در حوزه امنیت مرزی به‌ویژه در مورد تحرکات گروه‌های مسلح معارض، مطرح می‌سازد. از دید بخشی از نخبگان، این موقعیت جغرافیایی نوعی وضعیت دوسویه برای ایران ایجاد کرده است؛ به‌طوری که هم فرصت‌هایی برای تقویت ارتباطات منطقه‌ای فراهم می‌سازد و هم ضرورت سیاست‌گذاری امنیتی فعال را افزایش می‌دهد.

در گویه سوم، مسئله هیدروپلیتیک مورد بررسی قرار گرفته که با میانگین ۳.۶۳ و آماره تی ۵.۹۴۵ نشان‌دهنده سطح تأثیر قابل‌توجه آن در روابط دو طرف است. اقلیم کردستان در بخش‌هایی از نواحی سرشاخه‌ای رودخانه‌هایی قرار دارد که به غرب ایران وارد می‌شوند. در شرایط کاهش بارندگی و چالش‌های اقلیمی، این موضوع به یکی از دغدغه‌های استراتژیک ایران تبدیل شده است. از دید نخبگان، منابع آب مرزی، علاوه بر بُعد زیست‌محیطی، نقش فزاینده‌ای در ملاحظات امنیتی و تعاملات سیاسی ایفا می‌کنند. ایران در سال‌های اخیر با سیاست‌هایی نظیر سدسازی و مهار آب‌های مرزی به دنبال کاهش آسیب‌پذیری خود بوده است، که این روند به‌طور ضمنی، توجه به اقلیم کردستان را در معادلات آبی افزایش داده است. گویه چهارم، گسستگی جغرافیایی اقلیم از بغداد، با میانگین ۳.۵۷ تأیید شده است. این گویه بازتاب‌دهنده دیدگاهی است که تقویت استقلال ساختاری اقلیم را عاملی در وابستگی بیشتر آن به همسایگان پیرامونی از جمله ایران می‌داند. این وضعیت، زمینه‌ای برای توسعه ارتباطات مستقیم فراهم کرده، اما در عین حال چالش‌هایی نیز برای تهران به همراه دارد؛ چرا که افزایش استقلال اقلیم، می‌تواند موازنه قدرت در عراق را تحت‌تأثیر قرار دهد و نیاز ایران به حفظ نفوذ منطقه‌ای را برجسته‌تر کند.

گویه پنجم به موقعیت ترانزیتی اقلیم و نقش آن در مبادلات با همسایگان می‌پردازد. با میانگین ۳.۷۳، این گویه از نگاه نخبگان، نشان‌دهنده اهمیت گذرگاه‌های مرزی همچون باشماق، پرویزخان، تمرچین و قاسمرش است. این مرزها، از یک سو مسیر صادرات کالا و خدمات ایران به اقلیم را تسهیل می‌کنند و از سوی دیگر، به اقلیم کردستان این امکان را می‌دهند که سطحی از تعامل اقتصادی مستقل از بغداد را تجربه کند. در عین حال، وجود این مسیرها مستلزم سیاست‌گذاری متوازن است؛ چرا که بی‌ثباتی در این گذرگاه‌ها می‌تواند به ایجاد تنش‌های تجاری یا امنیتی منجر شود. گویه ششم با تمرکز بر مرزهای تحمیلی و اختلافات سرزمینی، میانگین ۳.۶۴ و تی ۵.۹۹۲ را نشان می‌دهد. از دید نخبگان، مرزهای فعلی منطقه، بخشی از نظم قراردادی و پسااستعماری هستند که در برخی موارد با بافت قومی، فرهنگی یا جغرافیایی همخوانی ندارند. هرچند این مرزها از منظر رسمی تثبیت شده‌اند، اما مسائل مربوط به عبور گروه‌های مسلح، اختلاف بر سر مناطق نفوذ و تعاملات غیردولتی، این مرزها را از منظر عملکردی نسبتاً آسیب‌پذیر نشان می‌دهد. در این زمینه، نوعی اجماع وجود دارد که مدیریت فعال و هماهنگ در حوزه مرزی، عاملی مهم در ثبات روابط آینده خواهد بود.

جدول ۲: نتایج آزمون تی تست برای بعد جغرافیایی مولفه‌های ژئوپلیتیکی در مناسبات اقلیم کردستان با جمهوری اسلامی ایران

بعد جغرافیایی						
Up	Low	Std.D	Mean	Sig	T	گویه
۰.۸۰	۰.۳۴	۱.۰۸۱	۳.۵۷	۰.۰	۴.۹۳۲	منابع طبیعی (آب، انرژی، نفت و گاز)
۱.۰۵	۰.۷۲	۰.۷۸	۳.۸۹	۰.۰	۱۰.۶۶۷	موقعیت جغرافیایی و استراتژیک اقلیم کردستان
۰.۸۳	۰.۴۲	۰.۹۸۶	۳.۶۳	۰.۰	۵.۹۴۵	مسائل هیدروپلیتیکی و کم‌آبی
۰.۷۷	۰.۳۷	۰.۹۴۴	۳.۵۷	۰.۰	۵.۶۴۴	گسستگی جغرافیایی اقلیم کردستان
۰.۹۳	۰.۵۲	۰.۹۵۶	۳.۷۳	۰.۰	۷.۱۳۹	موقعیت ترانزیتی و بازرگانی با همسایگان
۰.۸۵	۰.۴۳	۰.۹۹۶	۳.۶۴	۰.۰	۵.۹۹۲	مرزهای بین‌المللی تحمیلی و اختلافات سرزمینی

Source: Authors

محاسبه سطح معنی‌داری با مقدار میانگین گویه‌های بعد اجتماعی - فرهنگی در بررسی بعد اجتماعی - فرهنگی مناسبات ژئوپلیتیکی اقلیم کردستان عراق با جمهوری اسلامی ایران، آنچه برجسته می‌شود، وجود لایه‌های متنوع و چندبعدی از پیوندهای قومی، زبانی، مذهبی و فرهنگی میان دو طرف است. برخلاف برخی تلقی‌های سنتی که بر تقابل هویتی تأکید دارند، نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که این اشتراکات، در صورت مدیریت و سیاست‌گذاری مناسب، می‌توانند بسترهایی برای همگرایی فرهنگی، همکاری مرزی و توسعه تعاملات اجتماعی در سطح منطقه‌ای فراهم آورند. در این بعد، نوعی ظرفیت اجتماعی نرم مشاهده می‌شود که امکان بهره‌برداری سازنده برای افزایش ارتباطات میان فرهنگی را مهیا می‌سازد.

گویه مربوط به «کمیت و کیفیت جمعیت» با میانگین ۳.۴۷ و آماره تی ۴.۶۷۹، از نظر پاسخ‌دهندگان اهمیت بالایی داشته است. جمعیت جوان و فعال اجتماعی در اقلیم، با ویژگی‌های قومی-فرهنگی خاص، از نظر نخبگان می‌تواند ظرفیت‌هایی برای همکاری در زمینه‌های آموزشی، فرهنگی و اجتماعی فراهم کند. از منظر ایران نیز، درک این جمعیت صرفاً به عنوان یک مخاطره احتمالی، کارآمد نیست؛ بلکه با تکیه بر سیاست‌های فرهنگی هوشمندانه، می‌توان از ظرفیت‌های انسانی اقلیم برای تقویت پیوندهای فرهنگی بهره گرفت. در همین راستا، گویه «ترکیب و پراکندگی قومی و مذهبی» با میانگین ۳.۲۸ و آماره تی ۲.۵۹۳، بر همپوشانی فرهنگی و مذهبی اقلیم با نواحی غربی ایران تأکید دارد. این اشتراکات، در کنار پیوندهای تاریخی، می‌توانند زمینه‌ساز شکل‌گیری شبکه‌های ارتباطی غیررسمی در حوزه فرهنگ و آموزش شوند. گویه «اشتراکات قومی-فرهنگی با همسایگان» با میانگین ۳.۶۳ و تی ۶.۴۳۴، از نظر آماری بیشترین میزان تأثیرگذاری را در این بعد دارد. این شاخص بیانگر آن است که اقلیم کردستان و مناطق مرزی ایران، از نظر قومی و زبانی، دارای همپوشانی‌هایی هستند که امکان همکاری در تولیدات فرهنگی، تعاملات دانشگاهی، رسانه‌های دوزبانه و سایر برنامه‌های مشترک را فراهم می‌سازند. این ظرفیت‌ها، در صورت بهره‌برداری هوشمندانه، می‌توانند موجب ارتقای سطح همکاری‌های اجتماعی-فرهنگی میان دو طرف شوند، بی‌آنکه به حوزه‌های حاکمیتی یا حساسیت‌های امنیتی وارد شوند.

گویه «هویت قومی و تأثیر آن بر هویت سیاسی»، با میانگین ۳.۵۵، نشان می‌دهد که هویت قومی در اقلیم به عنوان بخشی از واقعیت اجتماعی منطقه، تأثیراتی در سطوح کنش‌گری فرهنگی و اجتماعی دارد. از دید نخبگان، این هویت لزوماً به معنای تقابل با ساختارهای سیاسی منطقه‌ای نیست، بلکه می‌تواند در قالب روایات فرهنگی-تمدنی مشترک، به ایجاد درک متقابل و کاهش تنش‌های هویتی کمک کند. جمهوری اسلامی ایران نیز می‌تواند از طریق تعاملات فرهنگی هدفمند، به تقویت لایه‌های مشترک هویتی در حوزه‌های زبان، آموزش و تاریخ کمک نماید. در ادامه، گویه مؤلفه‌های ژئوکالچر (نظیر زبان، دین و آداب‌ورسوم) با میانگین ۳.۳۳ و تی ۲.۶۳۸، بر نقش ابزارهای نرم در روابط ژئوپلیتیکی تأکید دارد. اقلیم کردستان، با تمرکز بر عناصر فرهنگی مانند زبان کردی، تولید رسانه‌های محلی و توسعه محتوای

آموزشی بومی، تلاش‌هایی برای هویت‌سازی فرهنگی داشته است. در مقابل، سیاست‌گذاران ایرانی نیز می‌توانند این روند را به فرصتی برای شکل‌دهی به همکاری‌های فرهنگی دوسویه تبدیل کنند. تولید محتوای رسانه‌ای مشترک، تقویت رسانه‌های دوزبانه و تشویق مراودات دانشگاهی مرزی، از جمله راهکارهای مؤثر در این زمینه به شمار می‌آیند.

گویه «تحولات اجتماعی و فرهنگی» با میانگین ۳.۵۰، به برداشت نخبگان از تغییرات اجتماعی در اقلیم از جمله مشارکت زنان، اصلاحات آموزشی و تغییر سبک زندگی اشاره دارد. این تغییرات، در مناطق مرزی ایران نیز از سوی گروه‌هایی مورد توجه قرار گرفته و از نگاه برخی پاسخ‌دهندگان، می‌تواند الگویی برای همکاری‌های اجتماعی-آموزشی ایجاد کند. به جای رویکرد محدودکننده، تعامل هوشمند با این تحولات، امکان گفت‌وگوی متقابل را در فضای منطقه‌ای فراهم می‌آورد. در نهایت، گویه «گفتمان‌های قلمروخواهی» با میانگین ۳.۵۷ و آماره تی ۴.۷۴۹، گرچه به یکی از موضوعات حساس در گفتمان‌های فرهنگی و هویتی‌گردها اشاره دارد، اما در تحلیل نخبگان، می‌تواند در صورت مدیریت گفتمانی صحیح، به بستری برای بازسازی حافظه مشترک فرهنگی منتهی شود. در واقع، به جای تقابل ایدئولوژیک با این گفتمان، رویکردی فرهنگی-تمدنی می‌تواند به تقویت گفت‌وگوی میان‌فرهنگی و انسجام منطقه‌ای کمک کند. بر این اساس، بعد اجتماعی-فرهنگی، نه تنها حوزه‌ای نرم در تعاملات دو طرف محسوب می‌شود، بلکه ظرفیتی راهبردی برای شکل‌دهی به مناسبات پایدارتر در سطح مرزها و تقویت ارتباطات مردمی نیز به‌شمار می‌رود.

جدول ۳: نتایج آزمون تی تست برای بعد اجتماعی - فرهنگی مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی در مناسبات اقلیم کردستان با

جمهوری اسلامی ایران

بعد اجتماعی - فرهنگی						گویه
Up	Low	Std.D	Mean	Sig	T	کمیت و کیفیت جمعیت
۰.۶۶	۰.۲۷	۰.۹۳۴	۳.۴۷	۰.۰	۴.۶۷۹	ترکیب و پراکندگی قومی و مذهبی
۰.۵۰	۰.۰۷	۱.۰۲۸	۳.۲۸	۰.۰۱۱	۲.۵۹۳	اشتراکات قومی - فرهنگی با همسایگان
۰.۸۳	۰.۴۴	۰.۹۱۶	۳.۶۳	۰.۰	۶.۴۳۴	هویت قومی و تأثیر بر هویت سیاسی
۰.۷۵	۰.۳۴	۰.۹۷	۳.۵۵	۰.۰	۵.۲۷۶	مؤلفه‌های ژئوکالچر
۰.۵۸	۰.۰۸	۱.۱۷۲	۳.۳۳	۰.۰۱	۲.۶۳۸	تحولات فرهنگی و اجتماعی اخیر
۰.۷۱	۰.۲۹	۰.۹۸۳	۳.۵۰	۰.۰	۴.۷۷۳	گفتمان‌های قلمروخواهی
۰.۸۱	۰.۳۳	۱.۱۲۲	۳.۵۷	۰.۰	۴.۷۴۹	

Source: Authors

محاسبه سطح معنی‌داری با مقدار میانگین گویه‌های بعد حکمرانی تحلیل مناسبات ژئوپلیتیکی میان جمهوری اسلامی ایران و اقلیم کردستان عراق در بُعد حکمرانی، توجه را از مؤلفه‌های صرفاً جغرافیایی، فرهنگی یا فراملی، به سوی ظرفیت‌های داخلی، ساختارهای نهادی و سازوکارهای مدیریتی اقلیم جلب می‌کند. اهمیت این بُعد، از آن‌رو برجسته است که نوع حکمرانی در اقلیم، هم در تعاملات درون‌عراقی و هم در روابط با همسایگان، از جمله ایران، نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا می‌کند. جمهوری اسلامی ایران ضمن پذیرش حقوقی ساختار خودمختار اقلیم در چارچوب قانون اساسی عراق، همواره با دقت و احتیاط به تحولات نهادی و اجرایی آن نگرسته است. یافته‌های پژوهش حاضر نیز بازتابی از برداشت نخبگان در مورد فرصت‌ها و چالش‌های موجود در این زمینه است.

نخستین گویه این بعد، «احساس تبعیض و نابرابری اجتماعی»، با میانگین ۳.۴۰ و آماره تی ۳.۵۶۹، به برداشت بخشی از نخبگان از وجود شکاف‌های اجتماعی و نابرابری در روابط غیررسمی میان اقلیم و سایر واحدهای سیاسی منطقه اشاره دارد. از دید برخی، این احساس می‌تواند محصول برداشت‌های تاریخی، ادراکات رسانه‌ای یا واقعیت‌های اجتماعی باشد که بر مناسبات مرزی نیز اثرگذار است. این گویه، به‌ویژه در پیوند با حافظه تاریخی قومیتی در منطقه، مطرح شده و بر ضرورت درک دقیق‌تر از زمینه‌های شکل‌گیری این ادراکات برای کاهش سوءتفاهمات تأکید دارد. در ادامه، گویه «بیکاری،

مهاجرت و قاچاق» با میانگین ۳.۳۳، به دغدغه‌های اقتصادی و اجتماعی مشترک در مناطق مرزی ایران و اقلیم می‌پردازد. این مسائل، به‌طور عمده نتیجه چالش‌های ساختاری در دو سوی مرز هستند و در برخی موارد، از نبود سازوکارهای هماهنگ مرزی و ضعف در سیاست‌گذاری توسعه‌ای سرچشمه می‌گیرند. از نگاه نخبگان، اگرچه مرزها ظرفیت اقتصادی بالایی دارند، اما اولویت‌دادن به امنیت سخت‌افزاری بر توسعه اقتصادی، موجب کاهش بهره‌وری این مناطق شده است.

گویه سوم، یعنی «تعاملات و حرکات اجتماعی سازمان‌یافته» با میانگین ۳.۲۲، کمترین میانگین را در میان گویه‌های این بعد به خود اختصاص داده است. اگرچه اقلیم دارای نهادهای مدنی متعددی است، اما از نگاه نخبگان، این ساختارها هنوز به سطحی از نهادینه‌شدگی کامل نرسیده‌اند. بالین‌حال، برخی تفاوت‌ها در آزادی‌های اجتماعی و سطح سازمان‌دهی سیاسی میان اقلیم و نواحی مرزی ایران، قابل توجه بوده و گاه موجب مقایسه‌های اجتماعی در سطح محلی می‌شود. این تفاوت‌ها، ضرورت اتخاذ رویکردی تطبیقی در تحلیل حکمرانی محلی و مشارکت اجتماعی را برجسته می‌سازند. گویه «نهادینه‌شدن دولت»، با میانگین ۳.۳۳ و آماره تی ۲.۷۳۱، به ارزیابی وضعیت تثبیت نهادی اقلیم اشاره دارد. یافته‌ها نشان می‌دهد که از دید نخبگان، اقلیم در برخی حوزه‌ها به تثبیت ساختارهای اجرایی دست یافته، اگرچه همچنان با مشکلاتی چون چالش‌های حزبی، فساد و وابستگی مالی روبه‌روست. این سطح از نهادسازی، اقلیم را از برخی دیگر از مناطق کردستانی منطقه متمایز می‌سازد. در تحلیل پیامدهای این فرایند برای ایران، برخی نخبگان معتقدند که تقویت نهادهای محلی در اقلیم می‌تواند به الگویی برای گفت‌وگوی نهادی در سطح منطقه‌ای تبدیل شود؛ الگویی که نیازمند دقت، تعامل و مدیریت انتظارات از سوی طرفین است.

در نقطه مقابل، گویه «اقتصاد و تبادل منابع» با میانگین ۳.۷۷ و آماره تی ۷.۴۷۶، بالاترین شاخص در این بعد را ثبت کرده است. این گویه نشان می‌دهد که از نظر نخبگان، ظرفیت‌های اقتصادی اقلیم، به‌ویژه در حوزه انرژی، کشاورزی و بازار مصرف، پیوندهای اقتصادی با همسایگان را تقویت کرده‌اند. تعاملات مرزی، بازارچه‌های رسمی، صادرات انرژی و واردات کالا، به‌عنوان شاخص‌هایی از این پیوند اقتصادی در نظر گرفته می‌شوند. در این راستا، دیدارها و تفاهمات مشترک اخیر میان مسئولان دو طرف، همچون نشست‌های میان استانداران مناطق مرزی ایران و اقلیم، نشانه‌هایی از گرایش به تنظیم روابط اقتصادی منسجم‌تر هستند. گویه «توازن قوا میان احزاب اقلیم» با میانگین ۳.۵۴، به برداشت نخبگان از رقابت درون‌ساختاری در اقلیم کردستان اشاره دارد. تنوع سیاسی و حضور احزاب مختلف، اگرچه موجب پویایی نسبی ساختار سیاسی اقلیم شده، اما در برخی مواقع به چالش‌های اجرایی نیز منتهی شده است. ایران نیز در تعامل با این وضعیت، گاه از طریق ارتباطگیری با احزاب خاص، تلاش کرده تعادل سیاسی را در روابط حفظ کند.

دو گویه پایانی، «ایدئولوژی‌های وحدت‌بخش» (میانگین ۳.۵۹) و «سیاست‌های قومیتی و مذهبی» (۳.۵۶)، بر بخش نرم حکمرانی در اقلیم متمرکزند. اقلیم کردستان با ترویج گفتمان‌هایی مانند ناسیونالیسم فرهنگی، آموزش زبان کردی، و بازنمایی تاریخی مقاومت قومی، به‌دنبال تقویت انسجام درونی بوده است. در حالی‌که این سیاست‌ها درون اقلیم به‌منظور ایجاد وحدت داخلی تعریف شده‌اند، در فضای منطقه‌ای ممکن است با برداشت‌هایی متفاوت مواجه شوند. در این بستر، نگاه نخبگان ایرانی بر ضرورت ایجاد گفت‌وگوی فرهنگی تأکید دارد؛ گفت‌وگویی که به کاهش سوءتفاهمات قومیتی و افزایش تعاملات سازنده کمک می‌کند.

جدول ۴: نتایج آزمون تی تست برای بعد حکمرانی مولفه‌های ژئوپلیتیکی در مناسبات اقلیم کردستان با جمهوری

اسلامی ایران

بعد حکمرانی

Up	Low	Std.D	Mean	Sig	T	گویه
۰.۶۲	۰.۱۸	۱.۰۴۵	۳.۴۰	۰.۰۰۱	۳.۵۶۹	احساس تبعیض و نابرابری اجتماعی
۰.۵۵	۰.۱۱	۱.۰۴۷	۳.۳۳	۰.۰۰۴	۲.۹۵۲	بیکاری، مهاجرت و قاچاق
۰.۴۳	۰.۰۰	۱.۰۲۲	۳.۲۲	۰.۰۵۱	۱.۹۸۲	تعاملات و حرکات اجتماعی سازمان‌یافته
۰.۵۷	۰.۰۹	۱.۱۳۲	۳.۳۳	۰.۰۰۸	۲.۷۳۱	نهادینه‌شدن دولت
۰.۹۷	۰.۵۷	۰.۹۶۱	۳.۷۷	۰.۰	۷.۴۷۶	اقتصاد و تبادل منابع
۰.۷۶	۰.۳۲	۱.۰۳۲	۳.۵۴	۰.۰	۴.۸۸۲	توازن قوا بین احزاب داخلی
۰.۸۳	۰.۳۶	۱.۱۱	۳.۵۹	۰.۰	۴.۹۹۲	ایدئولوژی‌های وحدت‌بخش
۰.۷۷	۰.۳۴	۱.۰۱۵	۳.۵۶	۰.۰	۵.۱۴۴	سیاست‌های قومیتی و مذهبی

Source: Authors

محاسبه سطح معنی‌داری با مقدار میانگین گویه‌های بعد بین‌المللی در تحلیل بعد بین‌المللی مناسبات ژئوپلیتیکی اقلیم کردستان با جمهوری اسلامی ایران، آنچه برجسته می‌شود، ظرفیت‌های برخاسته از تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی است که می‌تواند در صورت مدیریت متوازن، بر روابط دو طرف تأثیرگذار باشد. موقعیت اقلیم در میانه رقابت‌های منطقه‌ای، همجواری با کشورهای متعدد و دسترسی نسبی به بازیگران جهانی، موقعیتی را ایجاد کرده است که نخبگان آن را به‌عنوان بستری قابل‌توجه برای تعاملات چندسطحی تلقی می‌کنند.

گویه نخست، «دیپلماسی و روابط خارجی اقلیم کردستان»، با میانگین ۳.۷۰ و آماره تی ۶.۶۳۵، تأکیدی بر نقش اقلیم در توسعه روابط خارجی دارد. در دو دهه اخیر، اقلیم توانسته است با ایجاد نمایندگی‌ها در برخی کشورها و مشارکت در برنامه‌های دیپلماتیک، سطحی از کنشگری خارجی را دنبال کند. از منظر نخبگان، این کنشگری، ضمن ارائه تصویری از اقلیم به‌عنوان یک بازیگر فعال در سطح منطقه‌ای، می‌تواند زمینه‌ای برای همکاری یا رقابت با سایر کشورها، از جمله ایران، فراهم کند. برای جمهوری اسلامی ایران، تعامل فعال با این سطح از دیپلماسی می‌تواند راهی برای تنظیم مجدد ارتباطات فرهنگی، اقتصادی و نهادی باشد. دومین گویه، «ساختار ژئوپلیتیک منطقه»، با میانگین ۳.۸۵ و بالاترین آماره تی (۹.۱۰۵)، بیانگر جایگاه خاص اقلیم در فضای ژئوپلیتیکی خاورمیانه است. قرار گرفتن در همسایگی ایران، ترکیه و سوریه، و نزدیکی به حوزه نفوذ کشورهای عربی، اقلیم را در موقعیتی قرار داده که امکان ایفای نقش در میانجی‌گری‌های منطقه‌ای و حضور در فرایندهای فرامرزی را دارد. این موقعیت می‌تواند به‌عنوان عاملی برای افزایش همکاری‌های منطقه‌ای تلقی شود، مشروط بر آن‌که روابط ایران و اقلیم بر پایه‌ای از درک متقابل و منافع مشترک تنظیم شود.

در همین راستا، گویه سوم با عنوان «متحدان و ائتلاف‌های استراتژیک» و میانگین ۳.۸۶، به مشارکت‌های محدود اقلیم با برخی بازیگران بین‌المللی اشاره دارد. این مشارکت‌ها، عمدتاً در زمینه‌های امنیتی و بازسازی، با کشورهایی مانند ایالات متحده، فرانسه و نهادهای بین‌المللی صورت گرفته است. از دید نخبگان، این روابط، اگرچه ممکن است با حساسیت‌هایی همراه باشد، اما در قالب همکاری‌های هدفمند، می‌تواند در جهت مدیریت بهتر بحران‌ها و توسعه ظرفیت‌های نهادی مورد بهره‌برداری قرار گیرد. برای ایران نیز، ایجاد کانال‌های هماهنگ با اقلیم، می‌تواند روشی برای کاهش سوءتفاهم‌ها و بهره‌گیری از دیپلماسی غیرمستقیم تلقی شود. گویه «بازیگران و نیروهای فشار منطقه‌ای و جهانی»، با میانگین ۳.۷۳، بر تأثیر عوامل خارجی بر تصمیم‌سازی‌های اقلیم تمرکز دارد. سازمان‌های بین‌المللی، نهادهای مدنی، و مراکز مطالعات راهبردی، در برخی موارد به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم بر روند تحولات اقلیم اثرگذار بوده‌اند. در چنین فضایی، ورود هدفمند جمهوری اسلامی ایران به تعاملات علمی، فرهنگی و توسعه‌ای در اقلیم، از جمله از طریق تأسیس مراکز تحقیقاتی یا حضور در طرح‌های مشترک، می‌تواند به تعمیق درک متقابل و مدیریت مؤثر روابط منجر شود.

گویه «استراتژی‌های فراملی»، با میانگین ۳.۴۷ و تی معنادار ۴.۳۰۵، نشان‌دهنده تلاش اقلیم برای تعریف نقش خود فراتر از چارچوب ملی عراق است. برخی اقدامات در حوزه روابط خارجی، آموزش،

و همکاری‌های فرهنگی، بیانگر تلاش برای افزایش وزن سیاسی و دیپلماتیک اقلیم در سطح منطقه‌ای است. ایران می‌تواند با بهره‌گیری از ظرفیت‌های موجود در قالب سازوکارهای چندجانبه مانند سازمان اکو یا سایر مجامع منطقه‌ای، زمینه‌های همکاری هدفمند با اقلیم را توسعه دهد. این مسیر، در صورت تنظیم شفاف و بر پایه منافع مشترک، می‌تواند به تعادل‌سازی در روابط منطقه‌ای کمک کند. گویه پایانی، «ساختار ژئوپلیتیک جهانی»، با میانگین ۳.۵۷، بر جایگاه اقلیم در نظم بین‌المللی نوظهور تأکید دارد. در شرایطی که نظام جهانی در حال بازآرایی و گرایش به چندقطبی‌شدن است، اقلیم تلاش دارد موقعیت خود را در تعامل با قدرت‌های مختلف تعریف کند. نخبگان معتقدند که جمهوری اسلامی ایران نیز، با اتخاذ رویکردی فرصت‌محور و واقع‌گرایانه، می‌تواند از ظرفیت اقلیم در راستای تسهیل ارتباطات منطقه‌ای و دیپلماسی فرهنگی بهره گیرد.

جدول ۵: نتایج آزمون تی تست برای بعد بین‌المللی مولفه‌های ژئوپلیتیکی در مناسبات اقلیم کردستان با جمهوری

اسلامی ایران						
بعد بین‌المللی						
Up	Low	Std.D	Mean	Sig	T	گویه
۰.۹۲	۰.۴۹	۰.۹۹۶	۳.۷۰	۰.۰	۶.۶۳۵	دیپلماسی و روابط خارجی اقلیم کردستان
۱.۰۴	۰.۶۷	۰.۸۷۸	۳.۸۵	۰.۰	۹.۱۰۵	ساختار ژئوپلیتیک منطقه
۱.۰۸	۰.۶۵	۱.۰۱۹	۳.۸۶	۰.۰	۷.۹۴۹	متحدان و ائتلاف‌های استراتژیک
۰.۹۴	۰.۵۱	۱.۰۰۳	۳.۷۳	۰.۰	۶.۸۰۵	بازیگران و نیروهای فشار منطقه‌ای و جهانی
۰.۶۹	۰.۲۵	۱.۰۲۱	۳.۴۷	۰.۰	۴.۳۰۵	استراتژی‌های فراملی
۰.۷۷	۰.۳۷	۰.۹۳۲	۳.۵۷	۰.۰	۵.۷۱۸	ساختار ژئوپلیتیک جهانی

Source: Authors

بحث

تحلیل داده‌های به‌دست‌آمده از بررسی چهار بعد ژئوپلیتیکی نشان می‌دهد که مناسبات ایران و اقلیم کردستان عراق، به دلیل قرارگرفتن در بستری از پیوستگی‌های جغرافیایی، فرهنگی، تاریخی و امنیتی، از ظرفیت‌های بالایی برای گسترش همکاری برخوردار است. این مناسبات که در گذشته عمدتاً تحت‌تأثیر تهدیدهای مرزی، منازعات هویتی و تنش‌های قومی در قالب الگوهای واگرایانه تحلیل می‌شد، در پرتو تغییرات محیطی و منطقه‌ای می‌تواند به سمت الگوهای هم‌گرایانه و فرصت‌محور سوق پیدا کند. به‌ویژه در شرایطی که خاورمیانه در حال عبور از نظم قدیم و ورود به نظم منطقه‌ای متکثر و چندقطبی است، نگاه به اقلیم کردستان به‌عنوان یک همسایه مؤثر و واسطه، می‌تواند بخشی از راهبرد نوین ژئوپلیتیک ایران را تشکیل دهد.

در بعد جغرافیایی، یافته‌ها نشان می‌دهد که مؤلفه‌هایی مانند منابع طبیعی، موقعیت جغرافیایی و ترانزیتی اقلیم، و همچنین ساختار مرزی آن با ایران، نقش کلیدی در تقویت یا تضعیف مناسبات دارند. موقعیت استراتژیک اقلیم به‌عنوان دروازه‌ای به عمق عراق و حلقه ارتباطی با ترکیه و سوریه، برای ایران فرصتی است تا از آن به‌عنوان گذرگاهی مطمئن برای صادرات، انرژی، و حتی نفوذ فرهنگی استفاده کند. به‌ویژه در شرایطی که ایران در پی گسترش پیوندهای منطقه‌ای و کاهش اثر تحریم‌هاست، مرزهای تجاری اقلیم می‌تواند به ابزار مؤثری در دست تهران تبدیل شود. هیدروپلیتیک به‌عنوان یکی از ابعاد کمتر دیده‌شده، اما تأثیرگذار در مناسبات ایران و اقلیم، قابلیت تبدیل‌شدن به محور همکاری‌های مشترک دارد. رودخانه‌هایی چون زاب و سیروان که از ایران سرچشمه گرفته و وارد اقلیم می‌شوند، زمینه‌ای برای هم‌افزایی در حوزه مدیریت منابع آب، مقابله با خشکسالی، و توسعه پایدار مناطق مرزی را فراهم می‌کنند. در صورت تعریف چارچوبی حقوقی برای مدیریت منابع آبی مشترک، می‌توان از این مؤلفه ژئوپلیتیکی برای ارتقای اعتماد دوجانبه و تعدیل نگرانی‌های امنیتی بهره برد.

در بعد اجتماعی - فرهنگی، اشتراکات زبانی، قومی و مذهبی میان مردم دو سوی مرز، به‌ویژه در مناطق کردنشین، ظرفیت فوق‌العاده‌ای برای تعمیق پیوندهای اجتماعی فراهم آورده است. به‌جای

نادیده‌گرفتن یا سرکوب این پیوندها، سیاست‌گذاران ایرانی می‌توانند آن را به‌عنوان بستری برای تقویت دیپلماسی فرهنگی تلقی کنند. مشارکت در برگزاری جشنواره‌های فرهنگی، ترویج زبان کردی در قالب‌های رسانه‌ای مشترک، و تبادل دانشگاهی می‌تواند به نزدیکی هرچه بیشتر جوامع مرزی منجر شود. هویت قومی در اقلیم کردستان که در دهه‌های اخیر به‌مثابه ابزار سازمان‌دهی سیاسی و فرهنگی ایفای نقش کرده است، در عین آنکه ممکن است از منظر دولت ایران چالش‌زا تلقی شود، اما از منظر ژئوپلیتیکی، فرصتی برای شکل‌دهی به روایت‌های همگرایانه نیز هست. اگر ایران باتکیه بر میراث مشترک فرهنگی، نقش اقلیم را در تاریخ ایران‌زمین به رسمیت بشناسد، می‌تواند از تنش‌های هویتی بکاهد و اقلیم را به حلقه‌ای همسو در مسیر تمدن‌سازی منطقه‌ای تبدیل کند. ساختار ژئوکالچر اقلیم، با عناصر نرم همچون زبان، دین، آداب و رسوم و هنر، می‌تواند به‌مثابه ابزاری برای بسط فرهنگ ایرانی در خاورمیانه عمل کند. در جهانی که دیپلماسی نرم و فرهنگی نقش پررنگ‌تری یافته است، ایران باید از ابزارهای فرهنگی برای تعامل با اقلیم بهره گیرد. رسانه‌های مشترک، برنامه‌های هنری مرزی، و تأسیس نهادهای فرهنگی مشترک در شهرهایی چون اربیل، سلیمانیه و سنج، می‌تواند گام مؤثری در این مسیر باشد.

در بعد حکمرانی، وجود نهادهای باثبات سیاسی و ساختار خودمختاری در اقلیم کردستان، هرچند ممکن است نگرانی‌هایی در خصوص تقویت گفتمان‌های واگرایانه در ایران ایجاد کند، اما می‌توان آن را به الگویی برای توسعه نهادمند و بومی در مناطق مرزی تبدیل کرد. ایران می‌تواند با بهره‌گیری از تجربیات اقلیم در حوزه حکمرانی محلی، الگوهای توسعه مشارکتی را در مناطق کردنشین خود به کار گیرد و از این طریق سرمایه اجتماعی مرزی را تقویت کند. رقابت میان احزاب داخلی اقلیم کردستان، هرچند تهدیدی برای ثبات درون اقلیمی محسوب می‌شود، اما از منظر ژئوپلیتیکی ایران می‌تواند به فرصتی برای تنوع‌بخشی به روابط تبدیل شود. تعامل هم‌زمان با دو حزب اصلی، حزب دمکرات و اتحادیه میهنی، به ایران این امکان را داده است که در موازنه قدرت داخلی اقلیم نقشی مؤثر ایفا کند و از تبدیل شدن اقلیم به پایگاه رقابت منطقه‌ای، جلوگیری نماید. در بعد اقتصادی، میزان وابستگی اقلیم به مرزهای ایران برای تأمین کالا، سوخت و تجارت، زمینه‌ای فراهم می‌آورد تا تهران با اتخاذ سیاست‌های تجاری هوشمندانه، نفوذ اقتصادی خود را در منطقه تقویت کند. توسعه بازارچه‌های مرزی، ایجاد مناطق آزاد مشترک، و تسهیل در صدور کالا، می‌تواند به تقویت همگرایی اقتصادی منجر شود و هم‌زمان ثبات اجتماعی و امنیتی را در نواحی مرزی ارتقا دهد.

در بعد بین‌المللی، اقلیم کردستان در حال تبدیل‌شدن به بازیگری تأثیرگذار در معادلات منطقه‌ای و جهانی است. ایران، به‌جای بی‌اعتمادی صرف، می‌تواند از این ظرفیت برای توسعه روابط چندجانبه بهره گیرد. ایجاد ائتلاف‌های منطقه‌ای با مشارکت اقلیم، از جمله در حوزه مبارزه با تروریسم، امنیت انرژی، و همکاری‌های آبی، می‌تواند چهره‌ای جدید از دیپلماسی منطقه‌ای ایران ترسیم کند. موقعیت ژئوپلیتیک اقلیم، در تقاطع ایران، ترکیه، سوریه و عراق، آن را به حلقه‌ای طلایی در اتصال شرق به غرب و شمال به جنوب خاورمیانه تبدیل کرده است. ایران، با تقویت زیرساخت‌های حمل‌ونقلی مرزی، می‌تواند اقلیم را به کانونی برای اتصال زمینی خود به مدیترانه و اروپا تبدیل کند. این رویکرد، در صورت موفقیت، تأثیر ژئوپلیتیکی گسترده‌ای در توازن قدرت منطقه‌ای خواهد داشت. نفوذ بازیگران جهانی در اقلیم، به‌ویژه ایالات متحده و کشورهای اروپایی، در صورت مدیریت هوشمندانه، می‌تواند به کانالی برای تبادل دیپلماتیک غیرمستقیم میان ایران و غرب نیز تبدیل شود. ایران می‌تواند با حمایت از پروژه‌های فرهنگی، آموزشی و بشردوستانه در اقلیم، بخشی از تصویر خود را نزد جامعه جهانی بهبود بخشد و از سیاست تقابلی فاصله گیرد.

در مجموع، یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که اقلیم کردستان عراق نه‌تنها یک همسایه حساس، بلکه فرصتی راهبردی برای ایران در مسیر بازآفرینی نقش منطقه‌ای خود در خاورمیانه است. استفاده از

مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی همچون جغرافیا، فرهنگ، حکمرانی و روابط بین‌الملل، در قالب سیاست‌های مشارکت‌محور، می‌تواند جایگاه ایران را در نظم نوین منطقه‌ای تقویت کند و هم‌زمان مانع از تقویت جریان‌های واگرایانه گردد. بر این اساس، بازتعریف سیاست ایران در قبال اقلیم باید از رویکردهای امنیت‌محور و تقلیل‌گرا به سمت راهبردهای چندلایه، دیپلماسی فرهنگی، تعامل اقتصادی و مشارکت در ساخت نظم منطقه‌ای حرکت کند. چنین نگاهی، هم منافع ملی ایران را تأمین می‌کند و هم در مسیر ثبات، همگرایی و توسعه پایدار در خاورمیانه مؤثر خواهد بود.

نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادها

تحلیل ژئوپلیتیکی مناسبات میان جمهوری اسلامی ایران و اقلیم کردستان عراق، گویای آن است که این روابط در بستر یک منظومه پیچیده فضایی - سیاسی شکل گرفته‌اند که هم‌زمان از عوامل ساختاری، تاریخی و راهبردی تأثیر می‌پذیرند و بر محیط پیرامونی خود نیز تأثیرگذارند. اقلیم کردستان نه صرفاً یک واحد خودمختار در چارچوب دولت عراق، بلکه یک بازیگر ژئوپلیتیکی نیمه‌مستقل است که توانسته در بستر شکاف‌های ژئواستراتژیک خاورمیانه، نقش خویش را در موازنه قدرت منطقه‌ای تثبیت کند. از سوی دیگر، جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یکی از قدرت‌های تاریخی و فرهنگی منطقه، در مواجهه با تحولات اقلیم کردستان، هم‌زمان با چالش‌های متعارف ژئوپلیتیک مرزی روبه‌رو بوده و نیز از فرصت‌های نهفته در بافت فرهنگی و جغرافیایی آن بهره‌مند گردیده است. یافته‌های پژوهش آشکار ساخت که در چهار بعد جغرافیایی، اجتماعی - فرهنگی، حکمرانی و بین‌المللی - استراتژیک، وزن فرصت‌ها از تهدیدها پیشی می‌گیرد؛ اما تحقق این فرصت‌ها نیازمند «بازتعریف رویکرد ژئوپلیتیکی ایران» در تعامل با اقلیم است. این بازتعریف، باید از تقلیل‌گرایی امنیتی به سمت درک پیچیدگی‌های محیطی و بهره‌برداری چند ساحتی از عناصر قدرت نرم و ظرفیت‌های تعاملی حرکت کند. وجود مرز مشترک و ظرفیت‌های لجستیکی، تنوع قومی و زبانی مشابه، زمینه‌های عمیق تاریخی در تعاملات فرهنگی، و فضای بین‌المللی چندقطبی که اقلیم را در موقعیتی ویژه قرار داده، همگی مؤلفه‌هایی هستند که در صورت تعامل مبتنی بر آگاهی ژئوپلیتیکی، می‌توانند به تقویت موقعیت ایران در معادلات منطقه‌ای کمک کنند. نتایج پژوهش تأیید می‌کند که ژئوپلیتیک معاصر، دیگر صرفاً بر کنترل قلمرو فیزیکی یا موازنه نظامی استوار نیست؛ بلکه درک لایه‌های نرم فضا - اعم از هویت، حافظه جمعی، جریان‌های فرهنگی، ارتباطات فراملی و ساختارهای حکمرانی غیرمتمرکز نقش کلیدی در تبیین رفتار بازیگران دارد. اقلیم کردستان نمونه‌ای زنده از این تغییر بنیادین در منطق ژئوپلیتیک است؛ جایی که منابع قدرت از منابع سخت به ظرفیت‌های فرهنگی، اجتماعی، ارتباطی و اقتصادی تغییر یافته‌اند. برای جمهوری اسلامی ایران، نگاه به اقلیم از دریچه ژئوپلیتیک جدید، نه تنها یک ضرورت راهبردی، بلکه یک مزیت رقابتی در فرآیند نظم‌سازی منطقه‌ای به شمار می‌آید. در نتیجه، روابط ایران با اقلیم کردستان عراق باید نه بر مبنای ترس از واگرایی، بلکه بر بنیان بهره‌برداری هدفمند از همپوشانی‌های جغرافیایی و فرهنگی، تعامل با نخبگان اقلیم، مشارکت در فرآیندهای حکمرانی منطقه‌ای، و توسعه دیپلماسی چندلایه بازطراحی شود. فقط در این صورت است که ایران می‌تواند در رقابت‌های ژئوپلیتیکی خاورمیانه، نه تنها جایگاه سنتی خود را حفظ کند، بلکه در خلق نظم چندسطحی با اتکاء به ظرفیت‌های پیرامونی، از جمله اقلیم کردستان، نقش پیشرو ایفا نماید.

بر این اساس، با توجه به یافته‌های پژوهش و ضرورت بهره‌گیری از ظرفیت‌های ژئوپلیتیکی موجود، ارائه مجموعه‌ای از پیشنهادها سیاستی و راهبردی برای ارتقا سطح مناسبات ایران و اقلیم کردستان عراق ضروری می‌نماید؛

۱- تدوین سند راهبردی ویژه برای روابط جمهوری اسلامی ایران با اقلیم کردستان عراق، با تأکید بر مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی فرصت‌محور. این سند می‌بایست چهارچوبی مشخص برای سطوح مختلف تعامل

(فرهنگی، اقتصادی، امنیتی، سیاسی) تعریف کرده و روابط با نهادهای رسمی اقلیم را از سطح روابط حاشیه‌ای به یک سطح ساختاری و تعریف‌شده ارتقا دهد.

۲- بهره‌برداری هدفمند از ظرفیت‌های مرزی، جغرافیایی و ترانزیتی اقلیم کردستان از طریق تقویت زیرساخت‌های حمل‌ونقل، احداث و توسعه مناطق آزاد مشترک، بازارچه‌های مرزی رسمی، و کریدورهای صادراتی از شمال غرب ایران به عمق عراق و ترکیه. اقلیم می‌تواند به‌عنوان حلقه واسطی میان ایران و بازارهای مدیترانه شرقی و اروپای شرقی ایفای نقش کند.

۳- راه‌اندازی نهاد یا کارگروه ویژه «دیپلماسی فرهنگی ایران و اقلیم کردستان» در چارچوب وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی یا سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، با هدف استفاده از اشتراکات قومی، زبانی و مذهبی در جهت تقویت همبستگی فرهنگی میان دو سوی مرز. این اقدام می‌تواند زمینه‌ساز ایجاد روایت‌های مشترک، تضعیف گفتمان‌های واگرایانه و توسعه تعاملات میان‌فرهنگی باشد.

۴- ایجاد و توسعه روابط میان دانشگاه‌های غرب ایران و مراکز علمی اقلیم کردستان با تمرکز بر مطالعات فرهنگی، زبان‌شناسی، تاریخ منطقه‌ای و مدیریت منابع مشترک. تبادل علمی، پروژه‌های مشترک و کنفرانس‌های دو یا چندجانبه می‌تواند بستر اعتمادسازی نخبگانی و علمی را فراهم سازد.

۵- طراحی و اجرای الگوهای مشارکتی در حوزه مدیریت منابع آبی مرزی، محیط زیست، مقابله با خشکسالی و توسعه کشاورزی مرزی. با توجه به نقش اقلیم به‌عنوان سرچشمه بخش قابل توجهی از منابع آبی وارداتی ایران، تدوین توافق‌نامه‌های هیدروپلیتیکی مشترک ضروری به نظر می‌رسد.

۶- تقویت تعاملات اقتصادی با نهادهای حکمرانی رسمی اقلیم، با هدف کاهش وابستگی این منطقه به بازیگران رقیب ایران در منطقه. استفاده هوشمندانه از وابستگی تجاری اقلیم به ایران، می‌تواند به‌عنوان اهرمی برای مدیریت امنیت مرزی، ثبات اقتصادی و نفوذ ژئوپلیتیکی تهران در عراق شمالی به کار رود.

۷- بازطراحی رویکرد امنیتی ایران نسبت به اقلیم از حالت تقابلی به‌سوی همکاری امنیتی، از جمله در مبارزه با تروریسم، کنترل مرزها و مدیریت جریان‌های پناهجویی. تدوین سازوکارهای مشترک اطلاعاتی و امنیتی میان نهادهای امنیتی ایران و نهادهای امنیتی رسمی اقلیم می‌تواند ضریب امنیت مرزها را افزایش دهد.

۸- حمایت از توسعه رسانه‌های مشترک، انتشار محتوای فرهنگی - تمدنی همسو، و تقویت تولیدات رسانه‌ای دوزبانه با محوریت وحدت فرهنگی. ایران می‌تواند در اقلیم از طریق رسانه‌های صوتی، تصویری و دیجیتالی، به تقویت روایتی چندقومیتی اما همگرا اقدام کند که در مقابل پروژه‌های تجزیه‌طلبانه، تأثیرگذاری مؤثری خواهد داشت.

۹- تقویت ارتباطات سطح میانی و محلی بین استانداری‌ها و فرمانداری‌های استان‌های مرزی ایران با واحدهای اداری اقلیم، با هدف نهادینه‌سازی همکاری‌های روزمره، تبادل تجربیات اجرایی، و هماهنگی در امور مرزی. این تعامل می‌تواند از دل جامعه محلی، همگرایی فرهنگی و اجتماعی را بازتولید کند.

۱۰- تأسیس مرکز پژوهشی یا اندیشکده منطقه‌ای با تمرکز بر «ژئوپلیتیک اقلیم کردستان» در یکی از دانشگاه‌های غرب کشور یا مرکز مطالعات راهبردی ریاست‌جمهوری، با مأموریت پایش مستمر تحولات اقلیم، تحلیل روندها، تدوین سناریوهای آینده، و ارائه مشاوره‌های سیاستی به نهادهای مرتبط در ایران.

قدردانی

مقاله حاضر برگرفته از رساله دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد است. نگارندگان بر خود لازم می‌دانند از همراهی و راهنمایی‌های ارزشمند اساتید و صاحب‌نظران حوزه جغرافیای سیاسی، روابط بین‌الملل و مطالعات منطقه‌ای که در مراحل تدوین، طراحی پرسش‌نامه و تحلیل داده‌ها یاری‌رسان بودند، صمیمانه سپاسگزاری نماید. همچنین از کلیه متخصصان، کارشناسان و استادانی که با تکمیل پرسش‌نامه یا ارائه دیدگاه‌های تخصصی در فرایند تحقیق

مشارکت داشته‌اند، قدردانی به عمل می‌آید. این پژوهش بدون حمایت فکری و علمی ایشان به سرانجام نمی‌رسید.

کتابنامه

1. Afzali, R., Kamran, H., Ahmadi, S. A., & Yahyapour, M. S. (2016). Geopolitical analysis of influential components on spatial planning of the Iran–Iraqi Kurdistan border region. *New Attitudes in Human Geography Quarterly*, 8(1), 21–40. [In Persian]
2. Agnew, J. (1994). The territorial trap: The geographical assumptions of international relations theory. *Review of international political economy*, 1(1), 53–80.
3. Anvaripour, I. (2022). Geopolitical, political, historical and cultural relations between the Islamic Republic of Iran and the Kurdistan of Iraq today. *Journal of Environmental Sciences and Geographical Knowledge*, 3(1). [In Persian]
4. Asadi Fard, M., Javanmard, M., Zamani, S.M., (2022). Investigating the security threats of the Iraqi Kurdistan Region to Iranian Kurdistan. *Quarterly Journal of Security Protection Research*, 11(42): 59–81. [In Persian]
5. Bahmanabadi, S. (2014). The potentials and subtleties of relations between Iran and the Kurdistan region of Iraq. *Studies on Israel - US*, 15(3), 149–186. [In Persian]
6. Bahrami Jaf, S. (2022). Designing a model of geopolitical relations between Iran and the United States (Doctoral dissertation, Ferdowsi University of Mashhad). [In Persian]
7. Bahrami Jaf, S., Janparvar, M., Soltani, N., & Mohammadpour, A. (2023). Theoretical explanation of the effective components in geopolitical relations and presentation of the proposed pattern. *Human Geography Research*, 55(3), 225–241. [In Persian]
8. Dianat, M., Daraj, H., & Ghadiri, I. (2019). Influence of the hydro-polytechnic on the political relations between Iran and the Kurdistan region of Iraq. *Quarterly Journal of Political Research in Islamic World*, 9(2), 131–158. [In Persian]
9. Farzinrad, R., Forouzan, Y., Alishahi, A., & Majidinejad, S. A. (2019). A Review of the Problem of the Independence of the Kurdistan Region of Iraq and its Impact on the National Security of the Islamic Republic of Iran. *Strategic Studies of Public Policy*, 9(31), 195–210. [In Persian]
10. Afzali, R., Dastjerdi, H. K., Moradi, S., & Ranjbari Chichuran, K. (2023). Geopolitical analysis of political-security factors affecting the convergence of Iraqi Kurdistan region with Iran in geographical scales. *Human Geography Research*, 55(4), 263–285. [In Persian]
11. Ghalibaf, M. B., & Pourmousavi, M. (2008). Modern Geopolitics of Middle East and the Iran's Foreign Policy. *Human Geography Research*, Vol 41 (4), 53–69. [In Persian]
12. Hafeznia, M. R. (2017). Principles and concepts of geopolitics. Mashhad: Papoli Publications. [In Persian]
13. Janparvar, M. (2017). Geopolitics for All. Tehran: Entekhab Publications. [In Persian]
14. Janparvar, M., Bahrami Jaf, S., Salehabadi, R., & Mazandarani, D. (2021). Analysis of factors affecting the sustainability of cross-border cooperation in a case study (Iran and the region of Iraqi Kurdistan). *Journal of Geography and Human Relationships*, 3(4), 175–182. [In Persian]

15. Janparvar, M., BahramiJaf, S. (2025). Investigating the Geopolitical Relations Between the United States of America and Iran in the Indian Ocean. In: Nandy, D., Das, M. (eds) Decoding the Chessboard of Asian Geopolitics. Palgrave Macmillan, Singapore. https://doi.org/10.1007/978-981-96-3368-5_8
16. Kiani, J., Amiri, S., & Alikhani, M. (2019). Consequences of the geopolitical change of Iraqi Kurdistan climate in the security of Iran's western borders. *Border Studies Quarterly*, 7(3), 1–19. [In Persian]
17. Lacoste, Y, (2006) “Géopolitique: la longue histoire d’aujourd’hui”, Larousse.
18. Masoudnia, H., Ebrahimi, A., & Rezazadeh, M. (2017). Iraqi Kurdistan and Islamic Republic of Iran in an Era of interdependence: Opportunities and challenges. *Journal of Political and International Research*, 9(33), 26–50. [In Persian]
19. Mirheidar, D., & Hamidi-Nia, H. (2006). Methodology and Concepts in Political Geography and International Relation: A Comparative Study. *International Quarterly Journal of Geopolitics*, 2(3), 1–41. [In Persian]
20. Mojtahedzadeh, P. (2015). Political geography and Geopolitics. SAMT Publications. [In Persian]
21. Nasri, G., & Rezaei, D. (2019). The Most Significant Threats Against Security of the Islamic Republic of Iran from Kurdistan. *Interdisciplinary Studies on Strategic Knowledge Quarterly*, 9(37), 168–197. [In Persian]
22. Rezaei, D. (2021). the most important opportunities for the Islamic Republic of Iran in Identify Iraqi Kurdistan. *Passive Defense and Security Journal*, 9(32), 123–146. [In Persian]
23. Rezaei, D. (2022). Designing scenarios for the Iraqi Kurdistan Region and determining the optimal scenario for the Islamic Republic of Iran. *Security Research Quarterly*, 20(75), 47–71. [In Persian]
24. Sadeghi, S. D., Ahmadian, G., & Momen Safaei, A. (2019). The Impact of Political and Geopolitical Developments in Iraqi Kurdistan on the National Security of the Islamic Republic of Iran And the influential role of the two countries, the United States and Israel (Based on Copenhagen School and Regional Security Collection), *Journal of Politics and International Ralations*, 3(6), 306–331. [In Persian]
25. Sazmand, B. (2011). Relations between the Islamic Republic of Iran and the Kurdistan Regional Government: Grounds for Expansion of Relations. *Middle East Studies*, 18(2), 31–54. [In Persian]
26. Shamouli, H., Zargar, A., & Pazoukian, A. (2020). Explaining the geopolitical challenges of Iraqi Kurdistan and its impact on the security of the borders of the Islamic Republic of Iran. *Journal of Border Studies*, 8(27), 97–107. [In Persian]
27. Spykman, N. J. (1944). *The geography of the peace*. Harcourt, Brace.
28. Toal, G., Tuathail, G. Ó., Dalby, S., & Routledge, P. (Eds.). (1998). *The geopolitics reader*. Psychology Press.
29. Vasegh, M., Ahmadi, S. A., Hafeznia, M. R., & Isanejad, S. M. (2017). Epistemological explanation of the concept and nature of Geopolitics. *Political Geography Research*, Vol 2 (2), 65–85. [In Persian]

